

5. *Ibid.* , p. 7.

۶ . عبارات فوق را ریچارد فالک (Richard Falk) ، استاد دانشگاه پرینستون و منتقد سیاست خارجی آمریکا، در خصوص تحلیل جنگ آمریکا - عراق استفاده کرده است .

7. *Ibid.* , p. 9.

8. *Ibid.* , p. 10.

۹ . نوشته او دقیقاً بسیاری از مشکلاتی را که شرق شناسان به طور اعم در تصویر سازی از جامعه خاورمیانه دارند و ادوارد سعید در کتاب خود شرق شناسی آنها را تئوریزه کرده است، در حد اعلاى خود نمایان می سازد .

۱۰ . برای آشنایی بیشتر با ترکیب گرایشات سیاسی - اپیدئولوژیک جامعه اساتید دانشگاههای آمریکا و سیر تحول آن نگاه کنید به :

Richard f. Hamilton and Lowell L. Hargens, 1993, "The Politics of the Professors: Self Identifications, 1969-1984," *Social Forces*, 71 (3), pp. 603-627.

۱۱ . (Rush Limbaugh) از محافظه کاران بسیار افراطی آمریکاست که برنامه تلویزیونی پر بیننده ای دارد . او در این برنامه، نفی هر گونه ترقی خواهی، آزادیخواهی و دگراندیشی فرهنگی - سیاسی را سرلوحه کار خود قرار داده است .

علمی، خود به نوعی بیانگر ظهور این گرایش است . البته، ژورنالیسم او بیشتر شبیه برنامه های تلویزیونی راش لیمبا^{۱۱} است که سعی در تخطئه هر چیزی در حوزه خاورمیانه شناسی دارد . تلاشهای اتکین گه گاه به مرز نژادپرستی خفی هم رسیده، منجر به تحقیر دیگر فرهنگها و مدافعان آنها می شود . در هر حال، انتقادات او از مطالعات خاورمیانه قادر به ایجاد «دگرگونی» مورد نظر اتکین نخواهد بود و این حوزه همچنان به حیات پویای خود در عصر کوچک شدن جهان و نزدیکی ملتها به یکدیگر ادامه خواهد داد . شایان ذکر است که تعصبات خود برترین و قوم گرایی کور هرگز جامعه روشنفکر این حوزه را تحت تاثیر قرار نخواهد داد .

گروه فشار یهودی در آمریکا

صحبت از گروه فشار یهودیان در عرصه های سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی و سینمایی آمریکانگتکه جدیدی نیست و به چندین دهه قبل بازمی گردد . ولی در دولت کلینتون این مسئله ابعاد بسیار خطرناکی یافته است . او اقدامات ریگان در این زمینه را چنان کامل کرده که استثنا به قاعده و اصل تبدیل شده است .

یهودی بودن برخی از مسئولان بلندپایه دولت بیل کلینتون مشکل اصلی نیست، بلکه نکته مهم در این است که آنها یهودیت

محمد هادی سمتی

دانشگاه تهران

یادداشتها:

1. B. Norvell De Atkine, "Middle East Scholars Strike Out in Washington," *Middle East Quarterly*, Dec., 1994, p. 3.
2. Y. Ismael Tariq, and S. Ismael Jacqueline eds., *The [Persian] Gulf War and the New World Order*, Gainesville: University of Florida Press, 1994, pp. 347-65.
3. De Atkine, *op.cit.*, p. 5.
- بر اساس آمار مورد استفاده او، ۷۳ درصد متون دوسی مربوط به خاورمیانه در دانشگاههای آمریکا بیش از هر چیز بر مسئله اعراب و اسرائیل متمرکز هستند . ملی گرایی و بنیادگرایی اسلامی نیز (به ترتیب با ۶۸ و ۵۹ درصد) در مرتبه بعد قرار دارند .
4. De Atkine, *op.cit.*, p.6.

خود را به اسرائیل پیوند می زنند و حمایت از این حکومت را قبل از هر چیز وظیفه دینی خود می دانند. مطلبی که در پی می آید، نوشته روزنامه نگار اسرائیلی، اونیوعمام باریوسف، است که با افتخار از گروه فشار یهودیان در آمریکا سخن می گوید. این مطلب در دوم سپتامبر ۱۹۹۴ در روزنامه اسرائیلی معاریو چاپ شده و حاوی نکات و اطلاعات مهمی است.

نفوذ یهودیان در دولت کلیتون

چندی پیش، خانخام کنیسا «آدات اسرائیل» در در کلیولندپارک واشنگتن بخشی از موعظه شنبه خود را به جایگاه محکم و ثقل فرهنگی و سیاسی یهودیان آمریکا اختصاص داد. او گفت:

«برای نخستین بار در تاریخ آمریکا که ما خود را به صورت پراکنده و آواره (دباسبورا) احساس نمی کنیم. ایالات متحده آمریکا دیگر حکومت گوییم* شمرده نمی شود و یهودیان این کشور کاملاً در همه تصمیم گیری ها شرکت دارند. شاید لازم باشد که در قانون یهودی مربوط به حکومت گوییم تجدیدنظر شود.

چون این مفهوم در آمریکا دیگر معنایی ندارد.»

در واقع، بیل کلیتون نقش مهمی در تغییر مظهر دولت آمریکا نسبت به یهودیان ایفا کرده و رشته تحولاتی را به کمال رسانده که از دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان و وزیر خارجه اش، جرج شولتز، آغاز شد. البته، نفوذ سیاسی یهودیان آمریکا در دهه های گذشته نیاز به اثبات ندارد.

وزیر امور خارجه دوران ریاست جمهوری نیکسون، یهودی سرشناس، هنری کسینجر، بود. تعدادی از وزیران کابینه جیمی کارتر نیز یهودی بودند. ولی این موارد استثنایی حکم قاعده نداشت و یهودیان متدین در مناصب سیاسی قرار نداشتند که بتوانند نقش مؤثری در خاورمیانه ایفا کنند. اینک این تصویر کاملاً تغییر یافته و یهودیان در مسائل غیر خاورمیانه ای نیز مجال گسترده ای در دولت آمریکا پیدا کرده اند. برای مثال، هر روز صبح چندین خودرو از مرکز سیا راهی کاخ سفید می شود و شماری از مسئولان بلندپایه سازمان جاسوسی آمریکا را با خود می برد که وظیفه آنها تسلیم «خلاصه گزارش روزانه به

* کلمه عبری «گوی» و جمع آن «گوییم» در متن انگلیسی «امتها» یا «ملتها» ی غیریهود و بیگانه یا کسانی ترجمه شده که یهودیت را دین نمی دانند. این ترجمه بار عاطفی کلمه را بیان نمی کند؛ چون گوییم در متون یهودی گاه به معنای دشمن جهانی و در پاره ای موارد به مفهوم معشوقه انسانی یا گوسفندان احمق یا اوث موعود یهود بر یهود آمده است. طبق قوانین یهود، پایبندی به قوانین و اصول حکومت گوییم محدود است. برای مثال، گمرک و قوانین ارزی چنین حکومتی را نباید یهودیان اجرا کنند، در حالی که در دولت یهود باید افراد گوییم از همه قوانین پیروی کنند.

رئیس جمهور است که به اختصار PDB خوانده می شود. این گزارش (۵ تا ۷ صفحه) معمولاً با تصویر ماهواره ای پتاکون همراه است. گزارش PDB را تعدادی از تحلیل گران جاسوسی آمریکا شبانه، پس از تحلیل و ارزیابی گزارشهای ماموران سیا در سراسر جهان، تهیه می کنند و حاوی اطلاعات بسیار حساسی درباره رخدادهای بین المللی است. اهمیت این گزارش نسبت به سایر گزارشهای سیا در این است که منابع اصلی آن جاسوسان این سازمان هستند که سندی را به سرعت برده اند یا در دولتی خارجی نفوذ کرده اند.

کلیتون با ۵ نفر دیگر که گزارش به دست آنان رسیده، بلافاصله مذاکره کوتاهی به عمل می آورد. این عده عبارت اند از: ال گور، معاون رئیس جمهور، آنتونی لیک، مشاور امنیت ملی، لیون بانیتا، مدیر کارکنان کاخ سفید، سموتل (سندی) برگر، معاون مشاور امنیت ملی، لیون برث، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور. دو نفر از این عده یهودی اند که به مناصب بسیار حساسی در تصمیم گیری های سیاسی آمریکا رسیده اند. ۷ نفر از ۱۱ نفر کارمند شورای امنیت ملی آمریکا یهودی اند که کلیتون آنها را در مناصب بسیار حساس در امور امنیت ملی و سیاست خارجی قرار داده است: سموتل برگر، معاون رئیس شورا،

مارتین ایندایک، سفیر جدید آمریکا در اسرائیل و مسئول بخش خاورمیانه و جنوب آسیا، دان چفتر، مشاور رئیس جمهور و مسئول بخش اروپای غربی، دان اشتاینبرگ، مشاور رئیس جمهور و مسئول بخش آمریکای لاتین، استانی لاس، مشاور رئیس جمهور و مسئول بخش آسیا.

در دفتر ریاست جمهوری نیز همین وضعیت حاکم است: آبنر میکوی، دادستان جدید، ریکی زیدمن، مدیر برنامه های رئیس جمهور، فیل لایدا، معاون رئیس کارکنان، رابرت روبن، مشاور اقتصادی، دیوید هایزر، مدیر تبلیغات، آگیس روبن، مدیر کارکنان، ایل سیگال، مسئول داوطلبان، ایرا منونیا، مسئول برنامه های بهداشتی، رابرت رایشن، وزیر کار، میکی کانتو، وزیر قراردادهای بازرگانی خارجی، یهودیان عضو کابینه اند. به این فهرست باید نام تعداد زیادی از مسئولان یهودی وزارت امورخارجه را نیز افزود که دنیس راس، رئیس گروه صلح خاورمیانه، در راس آن قرار دارد. در ضمن، شماری از معاونان وزیران و تعدادی از مسئولان بلندپایه وزارتخانه ها را نیز نباید از یاد برد.

یکی از یهودیان بسیار مورد توجه اسرائیل که کمتر در معرض دید خبرنگاران قرار می گیرد، شخصی به نام

ریهم امانوئل است که رئیس مشاوران کلیتون و مسئول هماهنگی طرحهای ویژه کاخ سفید می باشد و دفترش در نزدیکی دفتر معروف بیضی قرار دارد. او کارشناس توافق با کنگره بوده و توانسته به موفقیت‌های چندی دست یابد که معروف ترین آنها تصویب «گات» در کنگره است.

خاخام کنیسیای آدات می افزاید:

«من چندی پیش در دفترش با او ملاقات کردم و گفتم می دانید که نام ریهم امانوئل از جمله نام‌هایی است که باید در دفترچه راهنمای تلفن تل آویو باشد» و او با لبخندی گرم جواب داد: «نام اصلی ما اویرباخ است. ما اولین کسانی بودیم که در تل آویو و قدس داروخانه باز کردیم. پدرم پس از مرگ عمویم، امانوئل، نامش را عوض کرد. پدرم در جریان جنگ استقلال اسرائیل (۱۹۴۸-۴۹) عضو سازمان ایبرگون، به رهبری بگین، بود. در آن موقع افرادی که فعالیت‌های زیرزمینی می کردند، نام خود را تغییر می دادند. او هنوز طرفدار متعصب لیکود است، ولی نظر مثبتی نیز به اسحاق رابین دارد؛ چون کسی را که در انتخابات پیروز شود و به نخست وزیری برسد، دوست دارد. او پس از جنگ به آمریکا آمد و با مادرم، دانشجوی جامعه شناسی، آشنا شد و من در شیکاگو به دنیا آمدم.»

ریهم و دو برادرش تحت تعالیم تندروانه یهودی قرار داشتند. او خود می گوید:

«ما در مدرسه ای یهودی درس خواندیم و چند معلم زبان عبری داشتیم. نخستین باری که به اسرائیل رفتم، سه روز پس از جنگ شش روزه (۱۹۶۷) بود. پدرم گفت که به اسرائیل برویم. من هشت ساله بودم، ولی یادم می آید که عربها شکست خورده و مردم اسرائیل بسیار شاد بودند و این امر برای من جالب بود. امید زیادی وجود داشت که یهودیان در نتیجه این جنگ به آزادی و صلح برسند. از آن زمان به بعد، هر ساله تا ۱۹۷۲ به اسرائیل می رفتم تا اینکه تحصیلاتم شروع شد. سپس، وارد سیاست شدم که نعمتی برای جوانان آمریکایی است.»

خاخام می افزاید: از وی پرسیدم: از نظر شما معنای پیوند اسرائیل و یهودیت چیست؟ جواب داد:

«از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۱ به اسرائیل نرفتم. جنگ خلیج فارس در این سال شعله ور شد و چندین مرشک به تل آویو افتاد. من به مدت یک ماه داوطلب خدمت در ارتش اسرائیل شدم و از طریق واحد داوطلبان ماورای بحار اسم نوشتم. کار زیادی در آن روزها برای یهودیان نکردم. رشته من نیز رزمی نبود، ولی تا جایی که می شد کمک کردم. مسئله اصلی این است که ما آنجا بودیم. آیا همین امر پاسخ سؤال

شما نیست؟»

ثروتمند با کودکان خود از آن پیاده می شوند. بلیت ورودی این نمازخانه در روزهای تعطیل هزار دلار است. نماز و دعا طبق شیوه معمول در اسرائیل خوانده می شود و تنها فرق این است که زنان و مردان در کنار هم می نشینند. بیشتر این افراد حداقل یک بار در سال به اسرائیل می روند. بیشترشان زبان عبری را براحتی صحبت می کنند. مهم تر اینکه احساس ارتباط تنگاتنگی با اسرائیل دارند. افراد بسیار مشتاق هر شب به خبر شبکه تلویزیون اسرائیل نگاه می کنند. شاید عجیب به نظر رسد، ولی یک شبکه خصوصی برنامه های اخبار تلویزیون اسرائیل را هر شب به مدت نیم ساعت در نیمه شب مخابره می کند.

کنیسیای رقیب دیگری نیز وجود دارد که بیشتر با مرام «گوش ایمنوم» سازگاری دارد و نسل جوان یهودیان پولدار را بخود جذب می کند. بسیاری از مسئولان یهودی آمریکا در این کنیسا نماز می خوانند.

سلطه تبلیغاتی و دانشگاهی

نفوذ یهودیان واشنگتن تنها به دولت محدود نمی شود. بسیاری از مدیران و گویندگان معروف و محبوب تلویزیون از یهودیان متعصب اند. تعداد زیادی از خبرنگاران سرشناس و سردبیران روزنامه ها و تحلیل گران نیز از آنها هستند.

بهترین مکان برای دیدن شخصیت های یهودی آمریکایی نشست سالانه «ایپاک» است که گروه فشار (لابی) طرفدار اسرائیل به شمار می آید. در این مکان، نه تنها میزان مداخله آمریکا را در خاورمیانه درک می کنید، بلکه احساس تنها زندگی کردن در میان چندین کشور دشمن عرب نیز از بین می رود. خاخام می افزاید که همواره از خود می پرسیدم که یهودیان آمریکا تا چه اندازه با اسرائیل ارتباط دارند؟ آیا توان یهود در آمریکا روبه افزایش است یا کاهش؟ آیا اختلاط و ازدواج یهودیان با «گویییم» قدرت یهودیان آمریکا را تهدید نمی کند؟ همیشه می ترسیدم که نکنند یهودیان آمریکایی مرکزیتی فرهنگی تشکیل دهند که رقیب اسرائیل باشد.

گروه نخبه حاکم

کنیسیای آداب اسرائیل تنها برای عبادت نیست، بلکه مرکزی یهودی است که در آنجا شریعت و ادبیات و فرهنگ و زبان عبری تدریس می شود. در یکی از نمازخانه های این کنیسا، مسئولان بلندپایه آمریکایی و کیلان موفق و بازرگانان ثروتمند در تعطیلات، آخر هفته جمع می شوند. هر هفته، اتمبیل های لیموزین در برابر در کنیسا می ایستد و زنان شیکپوش و مردان

همچنین نباید سلطه یهودیان بر دانشگاههای آمریکا را فراموش کرد. نفوذ یهودیان در صنعت سینما و هنر و ادبیات بسیار گسترده است و این افزایش قدرتشان را نشان می دهد.

افراد سرشناس

ما در اسرائیل به شنیدن نام یهودیانی مانند دنیس راس و دان کورتز و اهارون میلر عادت کرده ایم؛ چون آنها در همه سفرهای وزیر امور خارجه آمریکا به خاورمیانه، در چند سال گذشته، وی را همراهی می کنند، ولی این پدیده نسبی است.

هنگامی که دان کورتز، یهودی متدین، ۱۸ سال قبل با اخذ مدرک دکترا در زمینه مطالعات خاورمیانه به وزارت امور خارجه آمریکا پا گذاشت، به او گفتند:

«تو شایستگی کافی را برای کار در بخش خاورمیانه داری، ولی با توجه به اصل یهودی خود چنین پیشنهادی نده.»

دان کورتز، امروز رئیس همان کسانی است که او را چنان نصیحتی کرده بودند. این خود از افزایش قدرت یهودیان در ۱۸ سال گذشته نشان دارد. زمانی که او به وزارت امور خارجه آمریکا آمد، هواداران عرب در این وزارتخانه حاکم بودند و یهودیان اندکی که در آنجا کار می کردند، هویت یهودی خود را مخفی نگاه می داشتند. برای مثال،

آرنولد رابل، معاون دستیار وزیر در امور خاورمیانه، تنها زمانی همکاریش پی به یهودی بودنش بردند که در قبرستان یهودیان دفن شد. دان کورتز اولین کسی بود که اعلام کرد در تعطیلات یهودی سرکار حاضر نمی شود. ولی اینک که روزان آرنولد، ستاره تلویزیون، اعلام می کند قصد دارد سریالی درباره «هانوکا» (عید یهودیان) بسازد و هنگامی که مدارس دولتی در نخستین روز سال جدید یهودی تعطیل می شوند، به نظر می رسد که داستان کورتز به گذشته ها تعلق داشته باشد.

خاخام می افزاید:

«مدتی قبل که بحران هائیتی اوج می گرفت، من به وزارت امور خارجه آمریکا زنگ زدم و خواستم که یکی از مسئولان خلاصه ای از اوضاع را به اطلاع من برساند. مرا به یهودا میرسکی حواله دادند. خودم را به منشی او معرفی کردم و ناگاه شخصی گوشی تلفن را برداشت و به زبان عبری سلیس گفت: «صبح بخیر، چگونه می توانم به شما کمک کنم؟» برای مدتی فکر کردم که اشتباهی شماره تلفن وزارت امور خارجه اسرائیل را گرفته ام. پرسیدم: «زبان عبری را از کجا یاد گرفته اید؟ آیا اسرائیلی هستید؟» او پاسخ داد: «نه، من آمریکایی هستم، ولی سه سال است که آنجیل و تورات می خوانم.»

میرسکی، مانند کورتز، یکی از اعضای دستگاه سیاست گذاری امور خارجی آمریکا است. تام میلر نیز یکی از این افراد است که اینک وابسته سیاسی در آتن است. او سابقاً دستیار فیلیپ حیب در لبنان و رئیس دفتر شمال آفریقا بود و با سازمان آزادی بخش فلسطین مذاکره داشت. سپس به ریاست دفتر کشمکش عربی-اسرائیلی رسید. من زمانی میلر را دیدم که مسئول دفتر مبارزه با تروریسم بودم. پدرش او را در جنگ شش روزه به اسرائیل فرستاد تا به یکی از دوستان مهاجرش کمک کند. میلر ۶ ماه در مزرعه اشتراکی «اوروت» زندگی کرد و همان احساسی را پیدا کرد که ریهم امانوئل یافته بود. خودش می گوید: «کره های آدم سوزی نازی احساس سرنوشت مشترک را میان یهودیان پدید می آورد. همه یهودیان باید اسرائیل را تقویت کنند تا چنین کاری دیگر تکرار نشود.»

یهودیان موجود در راس دولت کلیتون، مانند دنیس راس و مارتین ایندایک، ایمان دارند که تغییر موضع یهودیان آمریکا در قبال اسرائیل ناشی از نتایج جنگ شش روزه است؛ زیرا این جنگ خاطره کوره های آدم سوزی را زنده کرد و سپس به آنها افتخار بخشید. یکی از مسئولان بلندپایه دولت آمریکا و بسیار نزدیک به کلیتون می گوید: «جنگ شش روزه بود که یهودیان آمریکا

را از مدار بسته خارج کرد. آنها در دولت بودند و در صحنه های علم و فرهنگ نفوذ داشتند، ولی از اسرائیل دور بودند. هدف اصلی نسل پدران ما این بود که بخشی از جامعه آمریکا شوند. جنگ شش روزه تأثیر شگرفی بر یهودیان آمریکا گذاشت. اهمیت اساسی آن ایجاد ارتباط عمیق میان یهودیان اصلاح طلب، و گرایش اصلی در آمریکا و اسرائیل بود.»

اسرائیل می داند که یهودیان آمریکایی احساس می کنند که با اسرائیل سرنوشت مشترکی دارند. همه مسئولان آمریکایی مرتبط با اسرائیل شاید دیدگاههای متفاوتی به بحران خاورمیانه داشته باشند، ولی یهودی مشتاق و متدین اند. آنها آمریکایی اند، اما اعتقاد دارند که منافع مشترک دو کشور اساسی و همیشگی است. آنها از نقض حقوق بشر در اراضی اشغالی به وسیله اسرائیل ناراحت اند و زمانی بیشتر دلخور می شوند که این یا آن وزیر اسرائیلی قدمی به سوی عراق برمی دارد که با سیاست آمریکا تناسب ندارد.

در دولت جمهوریخواهان آمریکا نیز مسئولان یهودی کم نبودند. ولی این بدان معنا نیست که همه یهودیان آمریکا نظر مشترک و یکسانی درباره اسرائیل دارند. حتی برخی از این یهودیان اصلاً طرفدار اسرائیل نیستند، مانند کاسپار واینبرگر،

وزیر پیشین دفاع، و ریچارد هاس، سلف
مارتین ایندایک در شورای امنیت ملی، ولی
این عده اینک در حکم استثنا هستند.

گروه تحقیق و بررسی مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

سوریه جنگ اکتبر را در پی داشت. با آغاز
دهه ۸۰، رقابت بین سوریه و اسرائیل برای
تسلط بر لبنان بالا گرفت و سرانجام سوریه
به برتری دست یافت. سوریه همچنین در
جنگ لبنان کوشید تا به تنهایی با کسب
قدرت نظامی لازم برای غلبه بر اسرائیل
توازن استراتژیک با اسرائیل را برقرار سازد.

با آغاز دهه ۹۰، چرخشی در سیاست
سوریه در قبال اسرائیل احساس شد؛ چون
سوریه در اکتبر ۱۹۹۱ در اجلاس صلح
مادرید شرکت جست و با اسرائیل وارد
مذاکره گردید.

سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح^۱

مقدمه

اعلام آمادگی سوریه برای ایفای نقش در
روند سیاست منطقه ای بخش بزرگی از
جامعه اسرائیل را غافلگیر یا دست کم با
برداشت‌های متفاوتی مواجه ساخت. برخی از
آنها این موضع سوریه را نشانه تغییر در
سیاست این کشور در برابر اسرائیل و مناقشه
اعراب و اسرائیل تلقی کردند. برخی نیز این
امر را تنها اقدامی تاکتیکی تعبیر کردند که
هیچ نشانی از عقب نشینی سوریه از هدف‌های
بلندمدت خود، یعنی نابودی اسرائیل،
نداشت.

دمشق نیز ناگهان چنین وانمود کرد که
سیاست تندروانه خود را کنار گذاشته است.
اما سوری ها خود اعلام کردند که این موضع

سالهاست که سیاست‌های سوریه در قبال
اسرائیل بی اعتمادی و نگرانی و دشمنی
جامعه اسرائیل را نسبت به سوریه برانگیخته
است. این امر از سوریه چهره ای تندرو و
متجاوز ترسیم کرده است که تا رسیدن به
هدف نهایی خود، یعنی نابودی اسرائیل،
تصمیم به مقابله با این کشور دارد.

سوریه در این سالها نه تنها در هیچ یک از
طرح‌های صلح منطقه ای نقشی نداشت،
بلکه در جهت تضعیف آنها عمل کرد.
تندروی های این کشور در ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷
یکی از عوامل اصلی بروز جنگ شش روزه
بود. شش سال بعد نیز همکاری مصر و

۱. مطلب فوقی نمابشگر دیدگاه پژوهشگران اسرائیلی نسبت به سوریه و سیاست آن در قبال روند صلح است. از آنجا که این
مطلب حاوی نکات تحلیلی مهمی در سیاست سوریه است فصلنامه 'خاورمیانه' نسبت به ترجمه و درج آن اقدام کرده است.